

بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی

نجفعلی شهبازی^۱

بهروز صادقی عمرآبادی^۲

سید علیرضا عزیز موسوی^۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۸/۲۲

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره دوازدهم - پاییز ۱۳۹۰

چکیده:

شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس ایمنی از پیش شرط‌های اساسی برای برنامه‌ریزی به منظور ارتقای سطح امنیت اجتماعی است و نقش زیادی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی دولت‌ها دارد.

در این مقاله با تدوین مدلی تجربی مبنی بر عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی و با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی و روش OLS آثار عوامل مؤثر اقتصادی بر امنیت اجتماعی در ایران در دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۸ تحلیل می‌شود. از متغیر جرایم به عنوان شاخص نبود امنیت اجتماعی استفاده شده است و عوامل اقتصادی عبارت‌اند از: شاخص فلاکت (مجموع دو شاخص تورم و بیکاری)، رشد تولید ناخالص ملی و ضریب جینی و شاخص اعتماد که آثار آنها بر متغیر وابسته تحقیق معنادار بوده است.

نتایج مدل تخمینی نشان می‌دهد شاخص‌های سهم اقتصاد ایران در تولید جهانی و رشد درآمد سرانه بر میزان جرایم اثر منفی و معنادار داشته‌اند. آثار سه شاخص ضریب جینی، شاخص فلاکت (مجموع دو شاخص میزان بیکاری و تورم) و شاخص اعتماد با یک وقفه نیز مثبت و معنادار بوده است و با افزایش شکاف درآمدی (ضریب جینی)، بیکاری و تورم و کاهش اعتماد مردم در کشور، میزان جرایم افزایش می‌یابد و در نتیجه از امنیت اجتماعی کاسته می‌شود.

واژگان کلیدی

امنیت اجتماعی، جرایم، تورم، بیکاری، رشد تولید ناخالص ملی سرانه

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان

۳. کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی دانشگاه جامع امام حسین(ع)

انسان برای رسیدن به اهداف والای انسانی پس از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را تشکیل می‌دهد، نیاز به امنیت و احساس امنیت دارد. امروز گرچه بعد نظامی هم‌چنان از جایگاهی مهم برخوردار است، اما افزایش جنبش‌های داخلی، کاهش حاکمیت ملی، درخواست افزایش مصونیت فرد از عملکرد دولت، اعتراض به تفاوت فاحش فقیر و غنی، و افزایش جرایم و نظایر آن باعث شده است که محققان و متفکران امنیت اجتماعی به ساختارهای اجتماعی که بستر پرورش چنین قواعد و الگوهای رفتاری هستند، توجه کنند و بعد اجتماعی امنیت را در کنار ابعاد دیگر آن مورد ملاحظه قرار دهند. بی‌تردید، هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و هم‌چنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت، امکان‌پذیر نخواهد بود. نیاز به امنیت، پس از نیازهای فیزیولوژیکی انسان، یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای تشکیل‌دهنده شخصیت فرد قلمداد می‌شود. تا زمانی که فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند، هیچ پیشرفتی در طول ساختار شخصیتی خود مشاهده نخواهد کرد (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۲۳).

زمانی به امنیت تنها از بعد نظامی نگریسته می‌شد و هر کشوری پس از تجهیز به تسلیحات نظامی پیشرفته، ادعای برخورداری از امنیت ملی می‌کرد. امروز با اینکه بعد نظامی هم‌چنان جایگاهی مهم دارد، اما افزایش جنبش‌های داخلی، کاهش حاکمیت ملی، درخواست افزایش مصونیت فرد از عملکرد دولت، اعتراض به تفاوت فاحش فقیر و غنی، افزایش جرایم و نظیر آنها باعث شده است که محققان و متفکران امنیت اجتماعی به ساختارهای اجتماعی که بستر پرورش چنین قواعد و الگوهای رفتاری هستند توجه کنند و بعد اجتماعی امنیت را در کنار ابعاد دیگر آن مورد ملاحظه قرار دهند (کلهر، ۱۳۸۸). پرداختن به امنیت اجتماعی در واقع به رسمیت شناختن گروه‌ها و جمع‌های اجتماعی است که افراد به علت تعلق و وابستگی به آنها خود را عضوی از آنها می‌دانند و در قبال یکدیگر، به دلیل داشتن منافع مشترک و سرنوشت مشترک، احساس مسئولیت می‌کنند و در مقابل خطرها و آسیب‌ها از خود واکنش نشان می‌دهند.

هدف اصلی امنیت اجتماعی برقراری نظم در جامعه و جلوگیری از وقوع انحرافات اجتماعی است. احساس امنیت اجتماعی برآمده از تعادل میان



مجموعه متغیرهایی است که جامعه را در فضای اجتماعی مناسبی قرار می‌دهد که مردمان احساس امنیت می‌کنند و آرامش خیال دارند. ابعاد این امنیت می‌تواند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی و نظامی باشد.

بررسی علمی و کارشناسانه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که جامعه را با چالش‌های سیاسی و امنیتی روبه‌رو می‌کند، نشان می‌دهد که کم‌توجهی به اولویت‌های واقعی بر پایه نیازهای جامعه به صورت تطبیقی و رفتارها و دیدگاه‌های مقطعی و شخصی، ناهنجاری‌هایی را به همراه خواهد داشت (تقوایی، ۱۳۸۴). بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس ایمنی از پیش‌شرط‌های اساسی برای برنامه‌ریزی به منظور ارتقای سطح امنیت اجتماعی است و نقش زیادی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی دولت‌ها دارد.

رشد اقتصادی و توسعه در همه زمینه‌ها کلید پاسخگویی به بسیاری نیازهای شهروندان از جمله جوانان جویای کار است (رشیدی، ۱۳۷۹). تنها جامعه‌ای مولد، دارای رشد اقتصادی و به دور از فقر می‌تواند برای دفاع از خود و استقرار امنیت در سطح اجتماعی و ملی آمادگی داشته باشد. به همین علت یکی از ابعاد اصلی و انکارناپذیر تأمین امنیت اجتماعی بشر در قالب نیازهایی محدود می‌شود که زیربنای اصلی آنها اقتصاد است تا دغدغه احساسی افراد برای برقراری آرامش و امنیت حل شود.

تحقیق حاضر در پی شناسایی عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی است. عوامل مد نظر این تحقیق پاره‌ای از عوامل مهم مربوط به حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی زندگی افرادند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با استفاده از مدل‌های سنجی با داده‌های سری زمانی در دوره ۱۳۸۸-۱۳۵۳ در ایران است.

۱. مبانی نظری تحقیق

امنیت به معنای اولیه و ساده عبارت است از: صیانت نفس از خطرهای احتمالی که جان آدمی را تهدید می‌کند. اگرچه این واژه را بسیار مختلف و با در نظر گرفتن ابعاد و شرایط گوناگون در جامعه تعریف کرده‌اند، عنصر صیانت نفس و حفظ جان را اختیار می‌کند؛ در حالی که «جان لاک» حفظ اموال و دارایی را اولویت می‌بخشد (لئو اشتراوس، ۱۳۷۳: ۶۲). در میان تعریف‌های مختلف از مفهوم امنیت وجوه مشترکی وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:



امنیت شرایطی است که در چارچوب آن فرد در مقابل خطرها، تهدیدها و زیان‌های ناشی از زندگی اجتماعی مورد حمایت جمع (جامعه) قرار می‌گیرد. امنیت از جمله مفاهیم پیچیده و در عین حال، سهلی است که شاید ارائه تعریفی همه‌پسند از آن غیرممکن باشد. سهل بدان علت که این واژه قبل از تعریف به وسیله همگان لمس و ادراک شده است و ممتنع هم از آن رو که ارائه تعریفی جامع و کامل از آن با توجه به شرایط موجود هر جامعه، دشوار و در مواقعی ناممکن است (یزدانی، ۱۳۸۹).

امنیت نیازی بنیادین و پایدار است که برآورده شدن سایر نیازهای جمعی نیز به وجود آن بستگی دارد. انسان به اقتضای وجودش اجتماعی آفریده شده و ناچار به دیگری و دیگران وابسته است. بشر در طول تاریخ حیات پر فراز و نشیب خود در تأمین آرامش داخلی و آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدهای فراوانی اندیشیده و ابتکارها و خلاقیت‌های تکامل یافته خود را برای فراهم کردن وسیله‌های گوناگون به منظور رسیدن به این مقصود به کار گرفته است. تدوین چارچوب‌های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره جامعه از مهم‌ترین ابزارهای است که برای تأمین نیازهای امنیتی به جامعه بشری معرفی شده است. مجموعه این ابتکارها و خلاقیت‌ها در نهایت به ایجاد و گسترش چتری حمایتی می‌انجامد که در سایه آن فرد و جامعه به بقا و حیات خود تداوم می‌بخشند و در نبود آن به وضعیتی می‌رسند که در تعاریف ارائه شده توسط متفکرین اجتماعی به آن Anomie (نوعی بی‌قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی) گفته می‌شود (Jones, 1999).

مفهوم امنیت چنان که مرسوم است، ارتباط بیشتری با دولت پیدا می‌کند تا با مردم به این دلیل که در قرن هفدهم که سیستم متداول دولت‌ها، با ظهور امنیت بین‌المللی آغاز شد، با ارجاع به نیازها و تمایلات دولت‌ها شناخته شد و عمل کرد (نبوی، ۱۳۸۹). با اینکه در این دوره دولت در وهله اول ابزاری برای تأمین امنیت شهروندان خود قلمداد می‌شد، اما در واقع به ابزاری برای تأمین امنیت سیستم دولتی تبدیل شد. به این ترتیب، ثبات در مفاهیم تعیین‌کننده امنیت که در آن دولت به عنوان مفهومی محوری به کار می‌رفت، به عنوان مفهوم کامل و متداول از امنیت و عملکرد دولت‌ها بر جای ماند (بیلگین، ۲۰۰۳: ۲۱۰). از این نقطه آغازین، فقدان امنیت برابر فقدان اقتدار دولت مطرح شد و چنان که در رویکرد سنتی به خصوص آثار هابز دیده می‌شود، دولت به عنوان کانون امنیت و هم‌چنین اقتدار و اجبار تلقی شد. از این رو، امنیت شهروندان به



واسطه وجود دولت تضمین شد (کراوس، ۱۹۹۹). بدین ترتیب، بخش عمده‌ای از ادبیات کلاسیک درباره امنیت به این مسئله می‌پردازد که امنیت به وسیله دولت‌ها ساخته می‌شود (همان). عوامل گوناگونی در ایجاد امنیت و احساس امنیت دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند می‌کند یا مانع تحقق آن می‌شود. ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص مسئله مطرح شده نیز از آنجا ناشی می‌شود که تهدیدهای داخلی بالفعل و بالقوه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته اغلب امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می‌اندازند (خوشفر، ۱۳۸۷).

در دوره‌های بعد، رویکردهای مدرن و آرای انتقادی اهمیت حمایت از انسان‌ها یا محیط را یادآور شدند و بر مراجع امنیتی متعددی تأکید کردند (بیلگین، ۲۰۰۳). در واقع، رویکردهای انتقادی نخست، تقدم عناصر نظامی و دولت را مورد انتقاد قرار دادند (بیلگین، ۱۹۹۹). مطالعات انتقادی در حوزه امنیت به وسیله گسترش و عمق بخشیدن به مفهوم امنیت و رد جایگاه برتر دولت به مثابه مرجع و عامل و کارگزار امنیت، نه تنها مسیری را که در آن مرجع امنیت به صورت سنتی تصور می‌شد تغییر داد، بلکه اهداف و دیدگاه مطالعات کلاسیک امنیت را دگرگون ساخت (بیلگین، بوث و جونز، ۱۹۹۸). از سوی دیگر، همانطور که ایده امنیت ملی از نگرش سنتی فاصله گرفت، بعد ذهنی امنیت نیز در کنار بعد عینی یا حتی مهم‌تر از آن، جلوه کرد. چنان که اکنون برخی امنیت ملی را بدون احساس امنیت که برداشتی ذهنی است، بی‌معنا می‌دانند (نبوی، ۱۳۸۹).

یزید سابق مفهوم امنیت را مرکب از چند ارزش ملی می‌داند و آنها را در پاسداری از بقای سیاسی و سرزمینی کشور، تضمین بقای ارگانیک (فیزیکی و جمعی) مردم، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی، تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور معرفی می‌کند (ربیعی، ۱۳۸۰).

امنیت اجتماعی

تحولات نظری دانش «جامعه‌شناسی» در نیم‌قرن اخیر همواره با ارائه تعاریفی جدید از دانش واژه «امنیت اجتماعی» قرین بوده است. امنیت اجتماعی را به صورت‌های گوناگون تعریف کرده‌اند. به نظر عده‌ای، امنیت اجتماعی به وسیله دولت و هیأت حاکمه و به نظر عده‌ای دیگر با مشارکت مردم در جامعه تعیین و اجرا می‌شود (افشار، ۱۳۸۷). بنابراین، تعریفی جامع از اصطلاح امنیت اجتماعی در دست نیست و درباره مفهوم دقیق و دامنه کاربرد آن اختلاف نظر وجود دارد؛



اما دیدگاه‌های نوین به طور عمده مبتنی بر مشارکت مردم هستند. بحث امنیت اجتماعی به بعد داخلی امنیت و مسائلی برمی‌گردد که افراد جامعه در حوزه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی با آنها روبه‌رو هستند. این مسائل در چارچوب بحث امنیت اجتماعی قابل بررسی‌اند. گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. امنیت فردی آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند، اما امنیت اجتماعی عبارت است از آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضای خود فراهم می‌آورند (حسینی فر، ۱۳۸۳: ۲).

به طور کلی، امنیت اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای توسعه کشور است و بدون شک با وضعیت فرهنگی جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارد. پای‌بندی افراد و نهادهای جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده در فرهنگ نوعی مصونیت اجتماعی ایجاد می‌کند که بالطبع موجب امنیت پایدار می‌شود. هرچه امنیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه گسترش یابد، پیشرفت در سایر ابعاد توسعه تسریع می‌شود و افراد جامعه به سمتی سوق پیدا می‌کنند که در سازندگی و درخشش جامعه تأثیر می‌گذارند و از آسیب‌ها و انحراف‌ها مصون می‌مانند (یزدانی، ۱۳۸۹).

باری بوزان برای نخستین‌بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس به کار برد (روی، ۱۹۹۶). امنیت اجتماعی از نظر بوزان، به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط می‌یابد که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (بوزان، ۱۹۹۸). بنابراین، هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه شود، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره می‌اندازد و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌شود (بوزان، ۲۰۰۰).

در این دیدگاه، همبستگی افراد یک جامعه، علاوه بر حفظ بقا، نیازمند حمایت و تقویت است که در سایه برخورداری از امکانات تحقق می‌یابد. به میزانی که افراد جامعه از امکانات مختلف آموزش، بهداشت، رفاه، آزادی و... بهره‌مند شوند، احساس خشنودی از تعلق به چنین جامعه‌ای دارند و دلبستگی میان آنها تقویت می‌شود (نویدینیا، ۱۳۸۵) و در نتیجه، احساس امنیت آنها افزایش می‌یابد.

نکته دیگر اینکه بوزان و ویور امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مطرح می‌کنند و اظهار می‌دارند که تهدیدهای امنیتی که به طور ذهنی قابل تجربه‌اند



(نبوی، ۱۳۸۹). بوزان نقطه آغاز امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌دارد که مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید نگاه کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶). به این ترتیب، نگاه تاریخی به پدیده‌های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز در این دیدگاه مطرح می‌شود، زیرا آنها معتقدند امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست و ارتباط انسانی و نقش هنجارها در تأمین امنیت مهم و تأثیرگذار است (همان).

تالکوت پارسنز، از جامعه‌شناسان معروف، امنیت را از رویکردی جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار داده است. وی مسئله هابزی درباره امنیت را بنیان کار تئوری‌سازی جامعه‌شناسی خود قرار داد. اما در حقیقت، مسئله اساسی نظریه تحلیلی کنش پارسنز، مسئله نظم اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴) که گویای مفهوم امنیت نیز می‌باشد. پارسنز جامعه را به خرده‌سیستم‌هایی تقسیم کرده است که هر کدام کارکردی خاص دارد و میزان توانمندی آنها در ایفای کارکردها، عامل دوام و بقای جامعه است و بالعکس، به میزان کاستی در انجام کارکردها، به انسجام و یگانگی (و در نتیجه امنیت) جامعه خدشه وارد می‌سازد و خطر فروپاشی و زوال آن را تهدید می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۵).

ج) ابعاد امنیت اجتماعی

امنیت را در ابعاد و زوایایی مختلف می‌توان بررسی و تحلیل کرد. آنچه در اینجا به آن توجه می‌شود تقسیم آن به بعد عینی (امنیت واقعی) و بعد ذهنی (احساس امنیت) است.

– بعد عینی امنیت

این بعد از امنیت به کمیت جرایم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه می‌پردازد که تغییرات در میزان آنها، امنیت جامعه را تغییر می‌دهد. بی‌تردید تأثیر امنیت بر بزهکاری از دل مشغولی‌های نظری و تجربی اهل نظر بوده و در این راستا کوشش‌هایی هم انجام شده است. همه پژوهش‌هایی که در حوزه حاشیه‌نشینی و پتانسیل‌های آن برای بزهکاری انجام شده مؤید این ادعاست. اما امنیت اجتماعی در این تحقیق معنایی وسیع را دربرمی‌گیرد. در واقع، امنیت اجتماعی به معنای فضایی است که فرد در زمان حال و آینده تصویر روشن و امیدوارکننده‌ای از زندگی خود و خانواده‌اش و جامعه دارد. مهم‌ترین شاخص‌های این بعد از امنیت عبارت‌اند از:

۱. میزان آسیب‌های اجتماعی: منظور معضلاتی است که به کژکارکردی نهادهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام اجتماعی برمی‌گردند و از سوی دیگر، در قانون برای آنها مجازات تعیین نشده است.
۲. میزان وقوع جرایم و بزهکاری: میزان کمی جرایم و بزهکاری در یک جامعه نشان‌دهنده میزان امنیت عینی در آن جامعه است.
۳. میزان آشفتگی‌های اجتماعی: آشفتگی اجتماعی یا انومی اجتماعی به مرحله بحرانی آسیب‌ها و جرایم اطلاق می‌شود که در این شرایط میزان آسیب‌ها و جرایم از حدی طبیعی فراتر رفته و به مرحله بحرانی رسیده است.
۴. توان و مهارت و قدرت عمل پلیس در مقابله با جرایم و ناامنی: به هر اندازه که نیروهای پلیس در سطح جامعه با تکیه بر سه اصل سرعت، دقت و صحت بتوانند قدرت عمل خود را در مقابله با جرایم و ناهنجاری‌ها نشان دهند، زمینه برای گسترش ناامنی کاسته می‌شود و فرایند جرم در حیطه کنترلی پلیس قرار می‌گیرد و در این شرایط فضای توسعه امنیت اجتماعی فراهم می‌گردد.
۵. هماهنگی نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط در حوزه کنترل آسیب‌ها و جرایم: از آنجا که آسیب‌ها و به تبع آن جرایم در بستر کژکارکردی‌های سازمان‌های مختلف یک نظام اجتماعی اعم از اقتصادی، فرهنگی، قضایی، انتظامی و امنیتی به وجود می‌آیند و گسترش پیدا می‌کنند، ضرورت این هماهنگی بیش از پیش نمایان می‌شود.
۶. از شاخص‌های مهم و مورد استفاده برای موضوع امنیت امید به آینده است که خود محصول احساس امنیت از شرایط جامعه و احساس امنیت شرایط خانوادگی است. این شاخص در بررسی ارتباط امنیت و بزهکاری بسیار قابل اعتناست.

- بعد ذهنی (احساس امنیت)

احساس امنیت پدیده‌ای روان‌شناختی- اجتماعی است که ابعادی گوناگون دارد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از وضعیت محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه نیز متفاوت از یکدیگر است و این منابع در سطوح مختلف اثرگذارند. از آنچه تاکنون گفته شد می‌توان دریافت عمده مضامینی که شهروندان به



عنوان «احساس امنیت» مطرح می‌کنند با امنیت اجتماعی مرتبط است. به سخنی دیگر، تمام مؤلفه‌های امنیت اجتماعی قابل سنجش از طریق مراجعه به ذهنیت و آرای عمومی است. علاوه بر آن، در سایر ابعاد امنیت مثل امنیت سرزمین (دفاعی یا نظامی) هم برخی جهات با اخذ نظریات و سنجش احساسات شهروندان قابل سنجش است.

وجود دو چهره متفاوت عینی و ذهنی از امنیت سبب شده است ادبیات ناهمگنی حول این مفهوم شکل گیرد که برخی آن را عینی دانسته و صرفاً برای داشتن امنیت، تسلیحات نظامی را لازم می‌دانند و برخی دیگر آن را در توسعه اقتصادی و انسانی متوازن جامعه جست‌وجو می‌کنند.

۲. پایه‌های اقتصادی امنیت اجتماعی در یک جامعه

کشتار، ترور، آدم‌ربایی، سرقت و غارت، تهدید و ارباب، تهمت و توهین، هتک حیثیت و ترور شخصیت شیوه‌های گوناگون نقض «امنیت اجتماعی» هستند. به طور کلی هر اقدامی که آرامش و آسایش جسمی، روحی و آزادی‌های مشروع و طبیعی افراد را سلب کند نوعی اقدام ضد امنیتی است. تعریف خلاصه‌تر امنیت اجتماعی تأمین حداقل سلامت روحی، روانی و جسمانی افراد جامعه است (کریمی، ۱۳۸۸).

بیکاری، تورم، اقتصادی نبودن برخی فعالیت‌های تولیدی، تصدی‌گری بیش از حد دولت، مهاجرت از روستاها به شهر، رشد حاشیه‌نشینی و افزایش واسطه‌گری و فعالیت‌های غیرمولد و فقدان فرصت‌های شغلی به حد نیاز همه و همه از معضلات مطرح در کشور ما بوده است. علت بسیاری از حوادث اجتماعی که در اطراف ما رخ می‌دهد، فقر و بیکاری و محرومیت از رفاه اجتماعی است. بیکاری و فقر در حالی امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند که دامنه وسیعی از قشر جوان ما را دربر گرفته که در سایه آن ناهنجاری اجتماعی و شدیدتر از آن جرم به وقوع می‌پیوندد؛ بنابراین، برای افزایش سرانه امنیت و کاهش بزه و جرم در جامعه قدم نخست برنامه‌ریزی و استفاده مناسب از امکانات است.

نشریه کارآگاه متعلق به دفتر مرکز تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا نتیجه تحقیقی را با عنوان «رابطه مثبت افزایش هزینه زندگی با قتل عمد در کشور» منتشر کرده که محتوای آن بسیار قابل توجه و تأمل است. بر پایه نتایج این گزارش، در استان‌هایی که هزینه زندگی بالاتر و میزان مشارکت اقتصادی پایین‌تر و جمعیت بیشتر است، تعداد موارد قتل نیز افزایش می‌یابد. این گزارش

تأثیر هزینه‌های زندگی از طریق شاخص قیمت مصرف‌کننده بر وقوع قتل‌های عمد را مثبت و معنی‌دار ارزیابی کرده است، زیرا با افزایش هزینه‌های زندگی تمایل به زورگیری و ارتکاب قتل عمد بین مجرمان بالقوه افزایش می‌یابد.

امنیت اجتماعی مسئله رفاه اقتصادی، زندگی اجتماعی و تأمین اجتماعی را دربرمی‌گیرد، به طوری که تأمین اجتماعی به عنوان وجه دیگری از تأمین امنیت برنامه‌ریزی می‌شود. منظور از تأمین اجتماعی پدید آوردن زمینه‌هایی است که برطرف‌کننده نیازهای مادی و معنوی افراد باشد (طالب، ۱۳۷۷).

در بررسی پایه‌های اقتصادی امنیت اجتماعی بی‌ثباتی‌های ناشی از در حال توسعه بودن جوامع، مفهوم دولت ضعیف، عدم انسجام اجتماعی، شکاف‌های طبقاتی و توزیع نامناسب امکانات، رفاه اقتصادی و سطح زندگی مناسب و اعتماد عمومی در رویکردهای نوین مطالعات امنیت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند (نیلی، ۱۳۸۹).

برخی نظریه‌پردازان امنیت را براساس برخی از این متغیرها متفاوت تعریف کرده‌اند. از نظر لارونس مارتین، امنیت تضمین رفاه است. هافمن امنیت را حمایت یک ملت از حمله فیزیکی، و مصون و محفوظ داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریان‌های ویران‌کننده بیرونی می‌داند (ریبعی، ۱۳۸۰). عده‌ای هم مفهوم امنیت اجتماعی را با شاخص‌های امنیت اقتصادی مطرح کرده‌اند. این مفهوم تا حدود زیادی شیوه‌های معیشتی زندگی مردم و ارتقای آن را مورد توجه قرار داده است. مانند امنیت اقتصادی را میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالا و خدمات از مجرای عملکرد داخلی و حضور در بازارهای بین‌المللی می‌داند (ماندل، ۱۳۷۷).

با توجه به این مطالب، پایه‌های اقتصادی امنیت اجتماعی در چهار سطح بررسی می‌شود:

الف) سطح زندگی مناسب و شایسته

پروفسور جان کنت گالبریت، استاد دانشگاه هاروارد و برنده جایزه نوبل در اقتصاد، می‌گوید: «هیچ چیز و مطلقاً هیچ چیز در حد فقر و بی‌پولی آزادی انسان را نفی نمی‌کند.» فقر کشنده حق انتخاب (آزادی) از یک طرف و بی‌اراده کردن و کشاندن انسان به سوی پیروی از نیروهای غریزی (حیوانی) برای زنده ماندن از طرف دیگر است (رشیدی، ۱۳۷۹).



انسان به عنوان کامل‌ترین و باشعورترین موجود زنده، از همان آغاز درک کرده که سنجش ترکیب امکانات فنی، و زمان و عوامل تولید در تأمین نیازهای مادی، آرامش ذهنی و احساس امنیت او نقش دارد. تمدن بشر محصول کار و کوشش و برنامه‌ریزی انسان‌ها برای بهتر زیستن و دستیابی به امنیت است.

در کشورهای در حال گذر سطح عمومی زندگی اکثریت مردم بسیار پایین است. این ویژگی از نظر کمی و کیفی به شکل درآمدهای پایین (فقر)، مسکن ناکافی، فقر بهداشتی، محدودیت یا فقدان آموزش و پرورش، میزان بالای مرگ و میر کودکان، پایین بودن امید به زندگی در بدو تولد و ناچیز بودن بازدهی نیروی کار نمود می‌یابد (فرجادی، ۱۳۷۷).

سطح زندگی مناسب و شایسته در یک جامعه را می‌توان با استفاده از شاخص‌های درآمد سرانه و تغییرات سطح رفاه داخلی نسبت به سطح رفاه خارجی سنجش کرد (نیلی، ۱۳۸۹). شاخص تغییرات سطح رفاه شهروندان داخلی نسبت به جوامع دیگر با استفاده از مقایسه میزان رشد اقتصادی کشور با میزان رشد اقتصاد جهانی به دست می‌آید.

رشد و توسعه اقتصادی، بالا رفتن درآمدها و بهبود سطح اشتغال و رفاه حاصل مدیریت صحیح امور اقتصادی و توجه به اصول علم اقتصاد است. توجه به اصول علم اقتصاد مانند حداکثر کردن بازده، صرفه‌جویی، حداقل کردن هزینه، حداقل کردن استفاده از عوامل تولید و توجه به نیروهای حاکم بر بازار برای اکثریت افراد جامعه فرصت کار و تلاش و امکان اعتلای مادی و معنوی را فراهم می‌سازد. یک اقتصاد شکوفا می‌تواند برای تک افراد خود سرمایه‌گذاری کند. بالا رفتن سطح بهداشت و درمان، آموزش عمومی و آموزش‌های تخصصی، افزایش طول عمر، موفقیت در مسابقات ورزشی، داشتن فرصت استراحت، مسافرت و تفریح، بالا رفتن سطح زندگی و به طور کلی احساس امنیت و آرامش همه در پرتو رشد و توسعه اقتصادی به دست می‌آید (رشیدی، ۱۳۷۹).

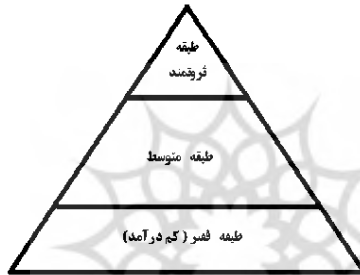
اگرچه رشد و توسعه اقتصادی به منزله از میان رفتن مفاسد اجتماعی و انحرافات روحی و اخلاقی در جامعه نیست، ولی جامعه ثروتمند قادر است برای رفع کاستی‌ها، نابسامانی‌ها و مفاسد اجتماعی سرمایه‌گذاری کند. ریشه و خمیرمایه هر گونه امنیت، شکوفایی اقتصاد و افزایش تولید و سرمایه‌گذاری است (تقوایی، ۱۳۸۴).



ب) عدالت در توزیع امکانات زندگی

یکی از تهدیدهای بزرگ امنیت اجتماعی در جوامع (به خصوص جوامع در حال توسعه) معمولاً از شیوه مناسبات اقتصادی و توزیع درآمد ناشی می‌شود. شکاف‌های توزیع درآمدی متعدد بحران‌زا (از جمله شکاف‌های قومی، جمعیتی و طبقاتی) ناشی از فقدان عدالت توزیع در این‌گونه جوامع موجب تولید ناامنی می‌شود.

اشکال طبقاتی به نوبه خود عامل تولید پدیده‌های بحرانی و امنیتی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این جوامع می‌شوند. توزیع درآمد ناموزون معمولاً جوامع در حال گذار را به شکل زیر درمی‌آورد (ربیعی، ۱۳۸۹):



شواهد نشان می‌دهد این شکاف‌ها هر یک به نوعی امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازند. مطالعات اقتصادی در مورد ضریب جینی در اغلب این کشورها حاکی است که شرایط اقتصادی امروز به نحوی است که روز به روز بر تعداد افراد حاشیه‌نشین و فقیر جامعه افزوده می‌شود (همان). به طور کلی می‌توان عدالت در توزیع امکانات زندگی را با توجه به معیارهای زیر بررسی کرد که در این مقاله با استفاده از ضریب جینی توزیع هزینه زندگی قابل محاسبه است:

- دسترسی به فرصت‌های برابر در استفاده از منابع و امکانات؛
- دسترسی برابر به اطلاعات اقتصادی؛
- دسترسی برابر به مناصب و موقعیت‌های اقتصادی؛
- امکان فرصت‌های برابر در فعالیت‌های اقتصادی؛
- توزیع عادلانه ثروت و درآمد.



ج) ثبات، پایداری و آرامش

ثبات و پایداری اقتصاد و آرامش وضعیت اجتماعی را می‌توان با استفاده از دو شاخص بیکاری و تورم نشان داد. در واقع، تورم و بیکاری به نوعی نشان‌دهنده فقدان ثبات و پایداری اقتصادی در جامعه‌اند.

د) اعتماد عمومی

برای نشان دادن شاخص اعتماد عمومی بین مردم از شاخص سهم غیرنقدی ترکیب نقدینگی در کشور استفاده می‌شود که به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$1- (L/A) = \text{سهم غیرنقدی ترکیب نقدینگی}$$

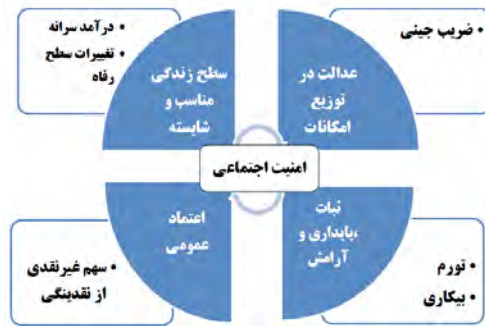
که A میزان اسکناس و مسکوک نزد مردم و L میزان کل نقدینگی در جامعه است.

۳. مدل تجربی و اقتصادسنجی تحقیق

- متغیرهای اقتصادی امنیت اجتماعی

متغیر وابسته تحقیق شاخص امنیت اجتماعی است که با پراکسی شاخص میزان کل جرایم اتفاق افتاده در کشور نشان داده شده است. داده‌های این شاخص از دادگستری گرفته شده است. متغیرهای مستقل تحقیق نیز درآمد سرانه، ضریب جینی، میزان بیکاری، سهم غیرنقدی از کل نقدینگی، سهم اقتصاد در تولید جهانی (نسبت رشد اقتصاد ملی به رشد اقتصاد جهانی) و تورم است که این داده‌ها نیز از سایت بانک مرکزی و نرم‌افزار WDI2010 گرفته شده‌اند. دوره زمانی داده‌های تحقیق ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۸ است.

با توجه به ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص امنیت اجتماعی، مدل تجربی تحقیق به صورت زیر است:



مدل سنجی تحقیق نیز با استفاده از روش OLS و نرم افزار EViews تخمین زده شده است.

$$(\ln SS = F(\ln I, \ln GDP, \ln GDPw, \ln Et, \ln Gini)$$

در ابتدا مانایی متغیرهای تحقیق بررسی می شود:

جدول ۱- نتایج بررسی مانایی متغیرهای تحقیق توسط شاخص دیکی فولر

نوع مانایی	شاخص دیکی فولر تعمیم یافته	متغیر تحقیق
I(1)	4. 983648 -	شاخص امنیت اجتماعی (lnSS)
I(0)	2. 922760 -	سهم اقتصاد ایران در تولید جهانی (lnGDPw)
I(0)	2. 996902 -	ضریب جینی (lnGini)
I(0)	3. 420910 -	رشد درآمد سرانه (lnGDP)
I(1)	4. 847361 -	نرخ فلاکت (lnf)
I(1)	7. 136084 -	شاخص اعتماد (lnet)

منبع: یافته های تحقیق

نتایج شاخص دیکی فولر نشان می دهد که متغیرهای رشد درآمد سرانه سهم ایران از اقتصاد جهانی و ضریب جینی در سطح مانا هستند و شاخص های فلاکت (مجموع دو شاخص میزان بیکاری و میزان تورم)، اعتماد و شاخص امنیت اجتماعی با یک وقفه مانا شده اند. در ادامه نتایج مدل OLS با نرم افزار Eviews به قرار زیر است:



جدول ۲- ضرایب مدل OLS

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره T	احتمال معناداری
لگاریتم سهم اقتصاد ایران در تولید جهانی	- ۳/۷۳۹۹۷۹	۰/۲۳۷۸۳۱	- ۱۵/۷۲۵۳۶	۰/۰۰۰۰
لگاریتم ضریب جینی	۷/۰۲۶۵۱۳	۱/۵۴۱۰۱۱	۴/۵۵۹۶۷۹	۰/۰۰۰۱
لگاریتم رشد درآمد سرانه	- ۶۱/۹۶۹۹۸	۱۶/۱۳۲۷۳	- ۳/۸۴۱۲۵۸	۰/۰۰۰۶
لگاریتم شاخص اعتماد با یک وقفه	۵/۸۴۱۷۵۷	۱/۱۳۸۹۹۳	۵/۱۲۸۸۷۷	۰/۰۰۰۰
لگاریتم شاخص فلاکت با یک وقفه	۰/۱۵۰۲۳۱	۰/۰۴۵۰۱۲	۳/۳۳۷۵۹۸	۰/۰۰۲۲
R^2 squared	۰/۷۱۳۸۵۴		۲/۱۱۰۸۸۷	Durbin Watson stat

منبع: یافته‌های تحقیق

متغیر وابسته در این تخمین میزان جرایم صورت گرفته در کشور است که به عنوان شاخص فقدان امنیت اجتماعی مطرح است. نتایج مدل تخمینی نشان می‌دهد که اثر تمام متغیرهای مدل معنادارند. شاخص‌های سهم اقتصاد ایران در تولید جهانی و رشد درآمد سرانه بر میزان جرایم اثر منفی و معنادار داشته‌اند و با افزایش رشد درآمد سرانه و سهم ایران از اقتصاد جهانی، میزان جرایم کاهش و امنیت اجتماعی افزایش یافته است. آثار سه شاخص ضریب جینی، شاخص فلاکت (مجموع دو شاخص میزان بیکاری و تورم) با یک وقفه و شاخص اعتماد نیز مثبت و معنادار بوده است؛ بدین معنا که با افزایش شکاف درآمدی (ضریب جینی)، بیکاری و تورم (فلاکت) و نقدینگی در دست مردم در کشور، میزان جرایم افزایش و در نتیجه امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد. R^2 مدل نیز برابر ۷۱ درصد بوده که در مدل‌های علوم اجتماعی دارای قدرت برازندگی و توضیح دهنده‌گی خوب مدل است و نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی در ایران ۷۱ درصد تغییرات امنیت اجتماعی را توضیح می‌دهد. شاخص d دوربین واتسون نیز برابر ۲/۱ است که حاکی از فقدان خودهمبستگی در مدل سنجی و نشان‌دهنده نبود اریب و انحراف در نتایج تخمین است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بی‌تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند می‌کند یا مانع از تحقق آن می‌شود. ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص مسئله مطرح‌شده نیز از آنجا ناشی می‌شود که تهدیدهای داخلی بالفعل و بالقوه در کشور اغلب امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می‌اندازند. بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس ایمنی از پیش‌شرط‌های اساسی برای برنامه‌ریزی به منظور ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می‌رود و نقش بالایی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی دولت‌ها دارد.

نتایج مدل‌سنجی استفاده‌شده در تحقیق حاکی از معنادار بودن بسیاری از عوامل اقتصادی بر امنیت اجتماعی در جامعه است. سطح زندگی مناسب و شایسته که با دو شاخص سهم اقتصاد ایران در تولید جهانی و درآمد سرانه ایران در نظر گرفته شده بود، اثری کاملاً معنادار و مثبت بر امنیت اجتماعی داشت که تأییدکننده مطالب تئوریک بحث‌شده در مقاله است. ثبات، پایداری و آرامش که با دو شاخص بیکاری و تورم نشان داده شده بود، اثری منفی و معنادار بر امنیت اجتماعی در کشورمان داشته است. این مطالعه تأییدکننده بسیاری از مطالعات پیشین است که مهم‌ترین عامل ناامنی اجتماعی را بیکاری می‌دانستند. عدالت در توزیع امکانات زندگی نیز که با شاخص ضریب جینی نشان داده شده، حاکی از اثر منفی شکاف درآمدی و به نوعی تضاد طبقاتی بر امنیت اجتماعی و افزایش میزان جرایم در کشور است. اسلانر (۲۰۰۰) با استناد به شواهد تجربی به این نکته اشاره میکند که در شرایط نابرابری اجتماعی و اقتصادی، ریسک اعتماد افزایش می‌یابد. به عقیده وی، نابرابری موجب خشم و نفرت از برون‌گروه و در کل باعث احساس بیگانه‌ترسی می‌شود که خلاف اعتماد اخلاقی و مخرب امنیت ملی است. در واقع، اسلانر ریشه‌های زوال اعتماد و سرمایه اجتماعی را در کاهش خوش‌بینی و افزایش نابرابری اقتصادی جست‌وجو میکند. در همه تمدن‌ها و در همه اعصار تاریخ، نابرابری به نحوی فعال در زندگی اجتماعی حضور داشته است و باید گفت بقای تمدن و زندگی اجتماعی به وجود همین نابرابری، یعنی ناخوشایند و غیرانسانی‌ترین پدیده زندگی اجتماعی وابسته است. نابرابری که خود محصول نظام توزیع قدرت در جامعه است، فقر فزاینده را به همراه دارد



که منشأ بیشترین انحرافات و نابسامانی‌های اجتماعی است. اگر گروه‌های اجتماعی و اقتصادی به این جمع بندی برسند که امکان بازسازی نیازهای اقتصادی آنان در کوتاه‌مدت وجود ندارد، نسبت به وضعیت خود و همچنین «آینده اقتصادی» خویش احساس نگرانی میکنند. در این شرایط می‌توان فضایی را مورد ملاحظه قرار داد که بر اساس آن هیچگونه امیدی به بهبود شرایط اقتصادی وجود نداشته باشد. در این وضعیت، امید اجتماعی برای «یغای نقشهای هنجاری» به حداقل میرسد. بنابراین، سیاست‌های محرومیت‌زدایی را می‌توان نشانه‌ای از بهبود شرایط و بازسازی فضای اقتصادی جامعه دانست. به طور کلی، تجربه ثابت کرده است اگر دورانهای رکود و تورم طولانی شوند، امکان تبدیل اعتراضات به چالش‌های اجتماعی و امنیتی وجود دارد. رفتار تهاجمی در حوزه‌های اقتصادی باقی نمیمانند، بلکه زمینه ظهور و انعکاس آن در سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی فراهم می‌شود. نظام‌های سیاسی نیز سعی می‌کنند برای کسب مشروعیت سیاسی خود که تحت تأثیر مفهوم امنیت اجتماعی و ملی قرار میگیرد به رفع نابرابری‌های اقتصادی و پیامدهای آن بر جامعه بپردازند.

ناکارآمدی دولتها در تأمین نیازمندی‌های اقتصادی جامعه و در نتیجه، کاهش سرمایه و اعتماد عمومی، نگرانی‌هایی امنیتی برای نظام‌های سیاسی به بار می‌آورد. این امر علاوه بر تضعیف مشروعیت نظام‌ها، منشأ بسیاری از عواقب اجتماعی و فرهنگی است. نابرابری اقتصادی همچنین باعث تزلزل در مفاهیم هنجاری و ارزش‌های مورد قبول جامعه می‌شود که برای امنیت اجتماعی و ملی مخاطره‌آمیز است. لذا استفاده از سیاست‌های پولی و مالی و همچنین سیاست‌های بازتوزیع درآمدی برای کاهش شکاف طبقاتی و درآمدی و افزایش رشد اقتصادی و درآمد سرانه لازم به نظر می‌رسد.

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ کپنهاک»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۱، ش ۲.
- اشتراوس، لئو (۱۳۷۳)، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افشار، اسدالله (۱۳۸۷)، «انسان، امنیت اجتماع»، به نقل از: www.resalat-news.com
- بشیریه، حسین (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- تقوایی، مسعود و سیروس قنبری (۱۳۸۴)، «عدالت، اشتغال و امنیت اجتماعی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۲۳۲-۲۳۱.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ ششم، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- حسنی فر، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، «دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، به نقل از www.isu.ac.ir.
- خوشفر، غلامرضا (۱۳۸۷)، «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرستان‌های استان مازندران»، مازندران: دبیرخانه شورای تأمین استان مازندران.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- ربیعی، علی (۱۳۸۹)، «شکاف درآمدی، دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار؛ مطالعه موردی ایران»، فصلنامه راهبرد، س ۱۹، ش ۵۷.
- رشیدی، رکن‌الدین (۱۳۸۷)، امنیت اجتماعی با شاخص سرمایه اجتماعی.
- رشیدی، علی (۱۳۷۹)، «نقش تحولات اقتصادی بر متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۱۸۱ و ۱۸۲.
- سایی، یزید (۱۳۷۷)، امنیت در کشورهای در حال توسعه: رویارویی با سده بیست و یکم، ترجمه علیرضا طیب و مصطفی ایمانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- طالب، مهدی (۱۳۸۱)، تأمین اجتماعی، مشهد: آستان قدس رضوی، دانشگاه امام رضا(ع).
- عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ نوزدهم.
- کلهر، سینا (۱۳۸۸)، راهبردهای امنیت اجتماعی، باشگاه اندیشه.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نبوی، سید عبدالحسین و علی حسین‌زاده، و سیده هاجر حسینی (۱۳۸۹)،



«بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۱، ش ۴۰.
 - نویدنیا، م (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵)، «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، س ۲، شماره‌های ۴ و ۵، زمستان ۸۴ و بهار ۸۵.
 - نیلی، مسعود (۱۳۸۹)، شاخصه‌های اقتصادی امنیت اجتماعی از سال ۸۴-۸۵، گروه امنیت و جامعه، پژوهشگاه علوم انسانی و معارف اسلامی.
 - یزدانی، عنایت‌الله و زهرا صادقی (۱۳۸۹)، «امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره‌های ۳۹ و ۴۰.

منابع لاتین

- Bilgin, Pinar (1999), *Security Studies: Theory/Practice*”, Department of International Politics, University of Wales, Aberystwyth, Vol. XII, No. 2.

-Bilgin ,Pinar” ,(2003) *Individual and Societal Dimensions of Security* ,“Bilkent University Urkey ,Department of International Relation ,International Studies Review.5

-Buzan ,Barry ,(1991) *People ,States and Fear*, London: Harvester Wheatsheaf.

-Buzan, Barry (2000), “*Security Studies: Beyond Strategy*”.

- Jones, Richardw (1999), *Security, Strategy, and Critical Theory*, London, Lynner Publications.

-Krause ,Keith" ,(1996) *Critical Theory and Security Studies*,“Graduate Institute of International Studies, YCISS Occasional Paper, No 33.

-ROE PAUL (1996), “*THE SOCIETAL SECURITY DILEMMA*”, COPENHAGEN PEACE RESEARCH INSTITUTE (COPRI) WORKING PAPERS.

- USLANER. E. M. (2000), “*PRODUCING AND CONSUMING TRUST*”, POLITICAL SCIENCE QUARTERLY, 115(4).



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی